

شعرخوانی: وطن

تاریخ ادبیات

♦ شاعر: نظام وفا

♦ قالب شعر: مثنوی

منم پور ایران و نام آورم ز نیروی شیران بُود گوهرم

قلمرو زبانی بیت دارای سه جمله سه جزئی با مسند است. ♦ پور، نام آور، ز نیروی شیران: مسند ♦ نام آور: مرکب / شیران: وندی
قلمرو ادبی: شیران «استعاره از» مردان شجاع ♦ پور ایران: اضافه استعاری ♦ ایران «مجاز از» مردم ایران / گوهر «مجاز از» نژاد
قلمرو فکری: من فرزند ملت ایران و در جهان پرآوازه هستم و نژاد من از مردمی است که مانند شیر شجاع هستند. (مفهوم: افتخار به ملیت و شجاعت)

کنم جان خود را فدای وطن که با او چنین است پیمان من

قلمرو زبانی بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: چهارجزئی با مفعول و مسند / جمله دوم: سه جزئی با مسند) ♦ جان: مفعول / فدا، چنین: مسند
قلمرو ادبی: نسبت دادن «پیمان» به وطن: استعاره (تشخیص)
قلمرو فکری: من جانم را فدای وطنم خواهم کرد، برای این که عهد و پیمان من با او چنین است. (مفهوم: فداکاری برای وطن / پایبندی به پیمان)

دفاع از وطن، کیش فرزانی ست گذشتن ز جان، رسم مردانگی ست

قلمرو زبانی بیت دو جمله سه جزئی با مسند دارد. ♦ کیش فرزانی، رسم مردانگی: ترکیب اضافی ♦ فرزانی، گذشتن، مردانگی: وندی
قلمرو ادبی: رسم، کیش: مراعات نظیر ♦ تکرار واج های «ز»، «ن»: واج آرایشی
قلمرو فکری: دفاع کردن از سرزمین و زادگاه آیین خردمندی است و فداکاری و جانفشانی در راه میهن شیوه جوانمردی است.
(مفهوم: دفاع از میهن نشانه خردمندی / فداکاری / مردانگی)

کسی کز بدی، دشمن میهن است به یزدان، که بدتر ز اهریمن است

قلمرو زبانی بیت دارای سه جمله است. ♦ دشمن، بدتر: مسند ♦ فعل شبه جمله «قسم» همواره به قرینه معنوی حذف می شود.
قلمرو ادبی: بدی، بدتر: اشتقاق ♦ یزدان، اهریمن: تضاد ♦ تکرار واج «ن»: واج آرایشی
قلمرو فکری: کسی که به خاطر بد بودن خودش، دشمن وطن است به خدا قسم که چنین شخصی از شیطان هم بدتر است. (مفهوم: نکوهش دشمنی با میهن)

مرا اوج عزّت در افلاک توست به چشمان من کیمیا، خاک توست

قلمرو زبانی بیت دارای دو جمله سه جزئی با مسند است. ❖ مرا اوج عزّت ❖ اوج عزّت من («را» فکّ اضافه) ❖ چشمان: وندی

قلمرو ادبی نسبت دادن ضمیر شخصی انسان (تو) به وطن: استعاره (تشخیص) ❖ افلاک ❖ مهاباز ❖ تمامی کشور ❖ چشمان ❖ مهاباز ❖ نظر و دیدگاه ❖ مانند کردن خاک به کیمیا: تشبیه ❖ افلاک، خاک: تضاد

قلمرو فکری [ای وطن] بالاترین ارزش و بزرگی من حضور داشتن من در آسمان، زمین و تمامی پهنه توست و خاک تو در نظر من مانند کیمیا نادر و ارزشمند است.

رود ذره‌ای گر ز خاکت به باد به خون من آن ذره آغشته باد

قلمرو زبانی بیت دارای دو جمله است. (جمله اول: دو جزئی / جمله دوم: سه جزئی با مسند) ❖ آغشته: مسند ❖ ذره‌ای، آغشته: وندی

قلمرو ادبی نسبت دادن ضمیر شخصی انسان (ت) به وطن: استعاره (تشخیص) ❖ خاک ❖ مهاباز ❖ سرزمین ❖ به باد رفتن ❖ کلابه‌از ❖ نابود شدن (به دست دشمن افتادن) / آمیخته شدن خون با خاک وطن ❖ کلابه‌از ❖ شهادت در راه وطن ❖ خاک، باد: مراعات نظیر ❖ ذره: تکرار ❖ «باد» در مصراع اول: هوا و نسیم، در مصراع دوم: فعل داعی از مصدر «بودن»: جناس همسان

قلمرو فکری [ای وطن] اگر بخش بسیار کوچکی از زمین تو به دست دشمن نابود شود، بهتر است خون من به خاک آن زمین آمیخته باشد و پیش از نابود شدن آن من کشته شده باشم. (مفهوم: جانفشانی در راه وطن)



درک و دریافت

۱- درباره لحن و آهنگ این سروده توضیح دهید.

با توجه به محتوای حماسی شعر و کاربرد وزن کوتاه (پاره‌های آوایی کوتاه) لحن و آهنگ این شعر حماسی و کوبنده است.

۲- کدام واژه این شعر، معادل مناسبی برای شخصیت ضحاک در شاهنامه است؟

اهریمن